

تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَ تَخْبُرُ حَاجَتِي وَ تَعْرِفُ ضَمِيرِي وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَ
مَثْوَايَ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَبْدِيَّ بِهِ مِنْ مَنَاطِقِي وَ أَتَفَوَّهَ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي وَ أَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي...

و تو می دانی آنچه را که در دل من است و از نیازم آگاهی و ضمیرم رامی شناسی و
هیچ امری از امور دنیا و آخرتم بر تو پوشیده نیست؛ و نیز می دانی آنچه را که می
خواهم بر زبان آورم، و به آن دهان بگشایم، و آگاهی به آنچه که برای عاقبتم
امیدوارم ...

علم الهی به اسرار بندگان

خداوند به آنچه در قلب ها می گذرد آگاه است و بالاتر از آن، اینکه بر هر چیزی
درجهان هستی، علمی کامل دارد. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

وَ مَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ: و پنهان نمی ماند از
پروردگارت، حتی به اندازه ذره ای در زمین و آسمان. (یونس: ۶۱)

همچنین می فرماید: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ؛ او به خیانت چشم ها و
به آنچه در سینه ها پنهان است عالم است» (غافر: ۱۹)

ذکر این عبارات از دعا در اول نیایش و حق تعالی را آگاه دانستن به نیازهای درونی
خویش: (۱) به معنای ستایش از محبوب است که خود یکی از آداب دعاست

(۲) و گلگشتی است سریع در یکی از زیباترین منازلعالیه عرفانی.

توضیح آنکه، اولیای الهی در عین حال که اهل دعا و خواستن می باشند، گاهی نیز
در اوج احوال روحانی خویش، دست از دعا نمودن بر می دارند؛ به این زبان حال که
«عِلْمُهُ بِحَالِي حَسْبِي مِنْ سُئُولِي؛ علم او به حال من، مرا کافی است که از او در
خواستنی نمایم».

چنانچه درداستانی از ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام نقل شده است:

آن گاه که او را به سوی آتش پرتاب نمودند، جبرئیل به ملاقات او آمد و به او گفت: آیا حاجتی داری تا برآورده سازم؟ ابراهیم علیه السلام گفت: اما به تو حاجتی ندارم. در این هنگام، جبرئیل به او پیشنهاد کرد و گفت: پس نیازت را از خدا بخواه. ابراهیم علیه السلام در جواب گفت: «عِلْمُهُ بِحَالِي حَسْبِي مِنْ سُؤَالِي؛ همین اندازه که او از حال من آگاه است، کافی است.

(تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۳۵)

خدا داند که حافظ را غرض چیست وَ عِلْمُ اللَّهِ حَسْبِي مِنْ سُؤَالِي

حافظ

حوزه نت